

ای دولت نیست همت پند و کارگاه
خاک تو کم به و آساید زین و دلد
خود چه زیادت بود که قبول کسی
چون سگ با سوسنة در بدم لاجم
نقش الف لام سیم در دل یعنی الم
فخر خوان سخن او یازده لعل هم
عاقده دور شاه ولی النعم
روح ملائک سپاه مهر که کبک چشم
آدم موسی بنان موسی احمد فرم
موسس دریا کاف احمد صیرل هم
سایس فی العباد سایه رب النعم
شرح جلاش برون از دوری کوفه
ما و نبیش سخات پند و اول شرم
ظلم بفرمان تو پند چاه عدم

در عجم از دانت پند راجس النعم
ملک بود باغ فصدت کمال استیوف
عقل است آفتاب دیر زنی اهل طاعت
ملک خزان ترات و کف افعیا غصب
غبن بود کج عرش خازن او هر من
افخر کس زود و ضار السلام
پس چون کف تو را قیمت نوزده و نورش
حاصل شش روز کون چون تویی برتق
نایب بزوان کجی کون تویی پس چرت
پس شک در کت از فرغ درت برو
لر خرو ترک و روم رام حام نواند
از نف نمشیر بود ستمند آن سه قوم
ملک خزان تیغ نادر ستانی از غر
کوی مت که بود آب بت لات نام

در عرب از دانت شود جمل النعم
شاه بود ظل حق فوق کمال الهم
مسندت آسمان کیه دای محترم
موسس ملک تویی کرک شبان غنم
ظلم بود صدر مشع حاکم او تو حکم
کس چل ملک هم ساخت خلعت کجیا
نان سفید فلک آب سیاه است و سم
بر تو سر ز ما بد ملک جهن محنتم
حکم تو چون حکم حق زود بشر مرسم
کرد در کوشش و راهین شیر اجم
بخت عجب گزینا درام تو است رم
چون صف اصحاب فیل در الم اندر الم
پس کجی در بنام کجی ظفر مکتبم
بلین همه ز بنام تن بران به زنی لاتم

در عجم از دانت پند راجس النعم
ملک بود باغ فصدت کمال استیوف
عقل است آفتاب دیر زنی اهل طاعت
ملک خزان ترات و کف افعیا غصب
غبن بود کج عرش خازن او هر من
افخر کس زود و ضار السلام
پس چون کف تو را قیمت نوزده و نورش
حاصل شش روز کون چون تویی برتق
نایب بزوان کجی کون تویی پس چرت
پس شک در کت از فرغ درت برو
لر خرو ترک و روم رام حام نواند
از نف نمشیر بود ستمند آن سه قوم
ملک خزان تیغ نادر ستانی از غر
کوی مت که بود آب بت لات نام